

فلم هنری هندی پی کی (PK) به توان ده ها کتاب فلسفی و دین شناسی:

نویسنده: عتیق الله ساکت

تماشای فلم "پی کی" یادآور داستان حضرت ابراهیم در قرآن کریم است. تولید این فلم در پهنای هندوستان بزرگ آنهم در قلب ملیونها هندوهای بت پرست، مسیحیان و آیین های دیگر یادآور قیام حضرت ابراهیم بت شکن به تنهایی در برابر مشرکین است. البته فلم نامبرده بر علاوه تهاجمات وسیع بر ضد آیین بت پرستی اعم از هندوییزم و مسیحیت ادیان دیگر را نیز تلویحاً زیر سوال برده است ولی مشخصاً دو آیین بت پرستی هندوییزم و مسیحیت را چنان مورد هدف قرار داده که عقاید و باورهای پیروان ایشان در زیر ضربات آن کاملاً خورد و خمیر شده اند. این فلم بر اساس داستان تخیلی علمی توسط شخصی بنام "راج کمار حیرانی" ساخته شده که فشرده داستان آن قرار زیر است:

قهرمان مرکزی فلم شخصی است که از یک سیاره دیگر بخاطر انجام تحقیقات علمی و کشف انسانها بروی زمین و زمینی ها فرستاده شده است. وی درین کره بنام زمین که به او کاملاً بیگانه است، با ساکنین آن صرفاً شباهت جسمی دارد، در حالیکه هیچ زبانی را ندانسته و حتی به اشاره آدم ها نیز نمیفهمد. زیرا چنانچه میدانیم زبان اشاره هم روابط تنگاتنگی با فرهنگ انسانها دارد که اگر ما فرهنگ هراجماعی بشری را ندانیم، طبعاً که از اشاره ها هم چیزی نخواهیم دانست. اما او بالاخره منطق و قوانین منطقی انسان های روی زمین را از طریق تماس جسمی بمدت شش ساعت متوالی از طریق محکم گرفتن دست یک زن روسپی بدست میاورد. طوریکه از طریق این تماس یک بسته ماکمل قدرت بیان و تکلم و نیز قوانین منطق ابتدایی و قوانین عقلانی از وجود آن زن به مغز او انتقال میکند که بعد از آن وی قادر میگردد تا بواسطه آن قوانین منطقی دست به بعضی قیاس های منطقی و استدلال های عقلانی بزند و با همین قیاس های ابتدایی خود بزرگترین ادیان پرنفوس جهان را مانند هندوییزم و عیسویت، مات و مبهوت کند. پس از فراگرفتن منطق و وقوف یافتن به یکرشته قواعد ساده بدیهی چون هستی و چیستی، وجود و عدم، علت و معلول، شی و لا شی، ممکن و ممتنع، تفکیک درست از نادرست، هر کل بزرگتر از جزء، قانون ضرورت معلول به علت در پیدایش نخستین و غیره که از ذهن زن روسپی به ذهن او انتقال میکند، وارد جامعه انسان ها گردیده و با اولین برخورد متوجه میشود که برعکس، انسانها به آنچه عقل شان حکم میکند، در رفتارهای خود خلاف آنرا عمل نموده و به مقتضی قوانین بدیهی، عقلی و منطقی اصلاً توجه ندارند بلکه عقل و منطق خود را در پای عقاید خرافاتی شان زیر نام باور های مقدس و ایمان داشتن ذبح میکنند.

واژه "پی کی" به معنای مخمور و نشه است که شخص در اثر نشه مواد مخدر عقل خود را از دست داده و کارهای غیر معمول و غیر معقول را انجام دهد که قسماً به اشخاص دیوانه نیز این واژه را بکار میبرند. علت نامگذاری قهرمان فلم بنام نشه یا دیوانه و یا "پی کی" بخاطر اینست که حرکات او کاملاً غیر عادی است و از طرف دیگر، او بخاطر احترام گذاشتن و پا بندی زیاد به قوانین منطقی چنان دست به قیاس های منطقی میزند که افراد جامعه و حتی چیز فهمان در برابر پرسشها و استنتاج های قیاسی او کاملاً شکست خورده و لاجواب میمانند و همه را به تعجب و امیدارد. ازینرو همه حرکات و گفتارهای او شبیه به انسانهای معمولی نه بلکه همانند نیمه دیوانه ها بنظر میرسد تا اینکه بنام شخص نشه و دیوانه در بین مردم مشهور میشود.

اتفاقاً با فرود آمدن به زمین و برخورد با آدمیان، او یک ابزار کوچک اسرار آمیز خود را در میان انسانها گم میکند. آن سامانه کوچک ابزار کوچکی است که فقط و فقط از طریق آن میتواند دوباره به مرکز فرستنده سیاره خود تماس گرفته و دوباره از زمین خارج گردد. در اصل جستجوی همین ابزار کوچک همانند گردنبد موجب میشود که وی با گروه های مختلف دینی و مذهبی سردچار شود که در جریان این جستجو پیروان هر یک از آن گروه های دینی وی را به متوسل شدن به خدای خودشان دعوت کنند. دریکجا وی به تشویق هندوها ترغیب میشود که همچو ایشان به پرستش خدای ایشان رو آورده و مشکل خود را از تنها از بتها و مجسمه ها بخواهد. برای این منظور نخست به یک فروشگاه بت فروشی داخل شده به دوکاندار میگوید:

آقا! من میخواهم یک خدا بخاطر عبادت و دعا کردن بخرم.

دوکاندار میپرسد: به کدام اندازه؟ خدای خورد یا خدای کلان؟ آن خدای بزرگ پنجاه کلدان قیمت دارد. و آن خدای کوچک بیست کلدان، تو کدامش را میخوری؟ دیوانه میپرسد:

آیا آن خدای که کوچکتر است، میتواند عیناً همه کارهای همان خدای بزرگ را انجام دهد یا خیر؟ آیا آن خدای کوچک در کارهای عاجز تر از بت کلان است؟ اگر از نگاه قدرت هر دویشان با هم مساوی هستند که درینصورت همان ارزانترش برایم بهتر است چرا

باید خدای گرانقیمت را بخرم؟ دوکاندار در برابر پرسش وی حیران میماند و بالاخره یک مجسمه کوچک چوبی را در یک کاغذ پیچانیده برایش میدهد و خود را از سر سوالات آزار دهنده این شخص عجیب خلاص میکند. دیوانه از آنجا بت کوچک را گرفته به تقلید از دیگر هندوها که در کنار یک سرک نشسته با چشمان بسته دعا و نیایش میکنند، در پهلوی ایشان قرار میگیرد و در برابر همان بت چوبی اش اینگونه به دعا و نیایش آغاز میکند: خدایا من از تو دوخواهش دارم: یکی اینکه گرسنه هستم، برایم غذا بده، دوم اینکه همان گردنبند گمشده ام را نیز از تو میخواهم.

در همین اثنا تصادفاً شخصی از کنار همین افرادی که در اصل جمعی از فقرا و گداها هستند و در کنار جاده به عبادت خدا میپردازند، میگذرد و برای ایشان قرص های نان را بعنوان خیرات توزیع میکند. دیوانه همینکه دعایش درباره نان و گردنبندش تمام میشود، دفعته متوجه میشود که یک قرص نان بدستش گذاشته شده است. همینکه نان را در کف دست خود میبیند، گمان میکند که این قرص نان از برکت اجابت دعایش از آسمان بردستهای وی قرار گرفته و همان مجسمه چوبی مشکل اش را شنیده وحل نموده است. دفعته از جا برخاسته با شادمانی خطاب به بت چوبی میگوید: برآستی که تو خدای حقیقی هستی و صدای ما را میشنوی و حاجت های ما را برآورده میسازی. پس حالا که چنین است، لطفاً همان گردنبند مرا هم بده!

ولی درین قسمت هر قدر که دعا و التماس میکند، از بت هیچ عکس العمل مثبتی را در ارتباط گردنبندش نمیبیند و آنرا نمییابد. بناچار دوباره به همان دوکانی که در آغاز بت را از آنجا خریده بود، رفته به وی شکایت میکند که این خدای کوچک توان یافتن گمشده مرا ندارد و هر قدر که با او حرف میزنم، جواب مرا نمیدهد، او صرف مشکل مرا با یک قرص نان حل کرده و از آن بیشتر توانایی ندارد. لطفاً شما ببینید که نقص و مشکل این خدا در کجاست، شاید بطری اش تمام شده.

دوکاندار ویرا دیوانه خطاب نموده با وی پر خاش میکند. اما دیوانه از دوکاندار میخواد که او باید این خدای ناکار آمدش را دوباره بگیرد و پول اش را واپس دهد. ولی دوکاندار با زرنگی و هشیاری تمام ویرا به معبد بزرگ هندوها راهنمایی میکند که در آنجا میتواند در حضور برهنه ها، پیرها و امام های روحانی و مذهبی هندوها عرض و داد خود را بحضور خدایان پیشکش نموده جنس گمشده ای خود را دوباره بیابد. قصه از آن عبادتگاه هم ویرا در اثر همینگونه پرسشهای منطقی اخراج نموده ویرا فرار میدهند تا اینکه به راهنمایی شخصی دیگری بسوی کلیسای مسیحیان رهنمون میشود که او میتواند خدای حقیقی و جنس گمشده ای خود را در آنجا حتماً بیابد. دیوانه به کلیسا داخل میشود، اما درینجا سخافت آیین مسیحیت و عقاید کودکانه ایشان را بدتر و مضحکتر از آیین هندوییزم مییابد که ایشان بدتر از هر آیین خرافاتی دیگر برخلاف عقل و منطق سلیم، در ارتباط خالق کاینات عقاید خیالبافانه و روش های غیر منطقی برای عبادت و نیایش دارند. او میبیند که راهبان و پیروان مسیحی پس از گذشت هزاران سال، غم به صلیب کشیدن حضرت مسیح را تازه کرده و بعد جام شرابی را به افتخار او سر میکشند و میگویند که این خون حضرت مسیح است و حضرت مسیح را هم پسر خدا و هم خود خدا میخوانند. دیوانه از افراد کلیسا میپرسد:

درینجا بالای خداوند چه واقع شده که شما عزاداری میکنید و آن مجسمه بی که مظلومانه بگونه بی فجیعی آنهم برهنه در صلیب بسته شده است، کیست؟ زمانیکه پاسخ های ایشان را میشنود و درباره به صلیب کشیدن حضرت عیسی خبر میشود، میپرسد: آیا این واقعه دردناک تازه اتفاق افتاده؟ آیا زور خدا بالای نجات پسرش نمیرسید که او را در چنگال ظالمان اینگونه فجیع رها کرد؟ این حادثه چه وقت اتفاق افتاده است؟ آنها در پاسخ میگویند دوهزار و چندسال پیش. دیوانه میپرسد: پس لابد شما حالا خبر شده اید؟ بالاخره افراد کلیسا در برابر پرسش های کنجکاوانه و منطقی او عاجز آمده از آنجا ویرا اخراج نموده و او از چنگال ایشان فرار میکند و از کلیسا هم مایوس میگردد که اینها چه میگویند و منطق انسان و قوانین عقلانی چی؟ در حالیکه هیچ تناسبی میان این دوجود ندارد.

سرانجام از فرط مایوسی بر گه های را تحت عنوان " خداوند گم شده لطفاً آدرس دقیق ویرا برایم بگویید" چاپ نموده و در بین مردم پخش و نشر میکند و همزمان هر طرف سرگردان بدنبال خدا در میان فرقه ها و گروه های مختلف مذهبی حقیقت را جستجو میکند. وی بخاطر یافتن گوهر حقیقت با هر گروهی می آمیزد ولی بعد با ناامیدی از ایشان جدا میشود و به دین دیگری میپیوندد.

"پی کی" و خرافات مسلمانان:

در یک بخش کوتاه فلم، جایی که خواسته یکی از شکافهای غیر عقلانی مسلمانان را هم مورد پرسش قرار دهد، جایی است که قهرمان فلم بخاطر دریافتن حقیقت، با یک گروه اهل تشیع که بخاطر حادثه کربلا و شهادت امام حسین مراسم سینه زنی را براه انداخته و خود را میزنند، سرخورده و به جمع ایشان ملحق میشود و با اشتراک و تقلید از ایشان او نیز خود را محکمتر از دیگران سخت سخت میزند تا ببیند که ازین مذهب چه نتیجه یی مفیدی بخاطر یافتن حقیقت نصیب اش میشود. ولی با هر ضربتی که به تن خود وارد میسازد از چشمان حدقه برآمده اش موجی از تعجب و حیرت میبارد. گویا میخواهد بپرسد که این دیگر چی؟ مگر خداوند به لت و کوب و تعذیب بدن انسانها بخاطر یک حادثه تاریخی آنها بعد از گذشت صدها سال با اینگونه مراسم چه ضرورت دارد و آیا چرا رضایت خداوند با اینگونه اعمال بدست آید و منطق این مراسم در چیست؟ اما معلوم میشود که باز هم بمنظور دریافتن حقیقت، دست به تقلید از جماعتی زده که ظاهراً دارای عقل و منطق هم هستند، و او اجتماع ایشان را در حول یک عقیده خطا و اشتباه آمیز محال میداند. ازینرو تکلیف زجر دادن و شکنجه کردن بدن و حتی ریختن خون از جسم خود را با ایشان صرفاً بخاطر پیدا کردن حقیقت میپذیرد و آزمودن مراسم غیر عقلانی شانرا بجان میخرد تا ببیند که در فرجام پس از سینه زدن و تیغ زدن به جان خود چه چیزی را بدست میآورد.



اهداف اصلی داستان دیوانه (پی کی):

فلم "پی کی" اساساً یک فلم کاملاً انتقادی بر مبنای برهان ها و قیاس های عقلی بوده و حتی گفته میتوانیم که در نهایت محرک قوه عقلانی انسان در برابر ادیان باطل و تحریف شده است که هدف عمومی آن برانگیختن عقل در برابر نقل است. بر علاوه اهداف فرعی آن (البته از دیدگاه قاصر بنده) قرار زیر است:

یکم: داستان نویس میخواهد بگوید که میان منطق و باورهای انسانها فرق عظیم است. بویژه در عصر کنونی که با پیشرفت علوم و فن آوری انسانها با وصف اینکه مجهز با سلاح دانش و منطق علمی هستند، و همه چیز را با علت و معلول میسنجند، ولی هنوز هم توده های ملیونی انسانها مربوط به ادیان مختلف بویژه هندوییزم و مسیحیت وجود دارند که دارای باورها و ایمان های غیر عقلانی و غیر منطقی هستند.

دوم: انسانها قطع نظر از فرهنگ ها و عقاید متغیر دینی شان، عموماً دارای قوانین منطقی و بدیهیات مسلمه هستند که این قوانین در همه زمانه ها و مکانها همیشه ثابت و مطلق بوده و برای همه یکسان است. برای تمیز دادن حقایق از و همیات، صرفاً همین منطق ابتدایی برای ما کافی است که ما حق و باطل را از هم تمیز دهیم.

سوم: معیار حق بودن، لزوماً کثرت انسانها و پیروان یک عقیده و یا مذهب نیست. زیرا تجربه نشان داده که ملیونها انسان با وصف اینکه از عقل و منطق طبیعی برخوردار هستند، ولی باز هم پرسشهای برخاسته از گلوئی منطق و ندا های عقلانی شانرا در درون خفه میکنند، و به عقاید غیر عقلانی، عجیب و غریبی رو میآورند و از ان تبعیت میکنند.

چهارم: برای مغلوب ساختن ادیان باطل چون بت پرستی هندوها و مسیحیت، زیاد به علم و دانش و فراگرفتن قوانین مغلق و پیچیده منطقی و استدلال های عقلانی و علمی نیاز نداریم. بلکه برای نگهداری فکر از خطا و افتادن درمنجلاب و همیات و عقاید غیرعقلانی و استدلال کردن دربرابر ایشان صرفاً چند قانون ساده منطقی و بدیهی کفایت میکند که آن قوانین منطقی بخاطر صیانت ذهن از خطا حتی در وجود کودکان نیز وجود دارند. هر طفلی همینکه تازه به حرف زدن آغاز میکند، اولین پرسش او اینطور آغاز میشود: مادر جان! من، تو و پدر جان را کی آفریده؟ این بخاطر اینست که طفل در همان آوان کودکی، متوجه قانون علیت شده و این قانون منطقی را دریافته است که هر علت، معلولی دارد و هر کل بزرگتر از جزء است. بناً خلاف عقل و منطق است که یک معلول و مصنوع مانند "بت" نسبت به علت اش (بت تراش) تقدم زمانی داشته باشد. و همچنان حسیض ترین نقطهء سخافت است که قانون کلی و جزئی و علت و معلول را که از جملهء ساده ترین قوانین منطق است، آنرا بگونهء معکوس درآوریم و به طریقه ای باور کنیم که معلول ها و افراد جزئی نسبت به علت اصلی (خالق که همانا خداوند است) توانا تر بوده و آنجا که دشمنان خداوند برضد خالق شان میشوند و به زعم مسیحیان فرزند خدا و یا به زعم باطل مذاهب دیگر مسیحی خود خدا را میکشند و به صلیب میاویزند، آن وجود کلی و علت اصلی در برابر مخلوقات خود عاجز آمده، نمیتواند از خود دفاع کند. و نیز غیر منطقی است که خداوندی با آنهمه بزرگی، در بین ملیونها سیاره ها و مخلوقات بیکران، با حیوانات ذره بینی چون انسانها، ناز کردن و عشوه بازی را راه انداخته خودش در قالب این موجودات ذره بینی بنام عیسی وارد شود و در سه چهره و سه اقنوم: خدا، روح القدس و مسیح ظاهر گردد و با ایشان باصطلاح بازی موش و پشک را راه اندازی نماید. منزله است خداوند از اینگونه توصیف های مشرکین.

پنجم: ما انسان ها در عین اینکه اجتماعات مختلف انسانی را تشکیل داده و اسم جامعه را به آن گذاشته ایم، در اصل این اجتماع ما صرفاً جسمی بوده، در حالیکه شدیداً در مفارقت بسر میبریم. از سوی دیگر ما نه تنها با آیین ها و ادیان مخالف دیگر سر دشمنی و مخالفت داریم، بلکه با قوانین درونی عقلی خود نیز که بالبداهه هر کس واجد آنست، دشمنی میورزیم و با خود نیز دشمن هستیم. ما صدای عقل خود را خفه میکنیم، ولی برعکس از یکرشته خرافات بدلائل گوناگونی چون: تقلید از عقاید جامعه، خود را به رنگ جامعه درآوردن، محکم گرفتن راه و رسم نیاکان و پدران، تبعیت از جمع کثیر و غیره از خرافات پیروی میکنیم و آنها را میپذیریم و هیچگاه شک و تردیدی هم بخود راه نمیدهیم که شاید پدران ما و اجتماع ما اشتباه کرده باشند. آنچه قرآن درین زمینه میفرماید: *أولو کان آباءهم لایعقلون شیاً و هم لایهتدون. یعنی آیا اگر پدران شان در راه باطل بوده باشند، چه؟ آیا باز هم به همان راه ایشان ادامه میدهند؟*

ششم: در میان احکام عقلی و اعمال ما و حتی در مجموع در زندگی اجتماعی ما انسانها عجیب ترین تناقضات رفتاری حاکم است ولی ما با اینهمه تناقض های غیر قابل توجیه از نگاه منطقی و عقلانی صرف بخاطر تحمل همدیگر و پیشبرد زندگی اجتماعی کنار میاییم و تعداد کثیر اینهمه امور غیر منطقی و غیر حقیقی را نادیده گرفته از نعمت عقل خود بدرستی کار نمیگیریم. ما در روند زندگی بسا امور غیر حقیقی را حقیقی پنداشته و بین حقایق، اعتباریات و همیات هیچ فرقی نگذاشته ایم و این بلا بیست که اکثر ادیان و مذاهب خرافاتی جهان پیروان آن به آن مصاب هستند ولی افراد مصاب بجای تفکیک و تمیز امور حقیقی از غیر حقیقی، از تعصب کار گرفته و برای دفاع از همان خرافات عقیدتی شان زیر نام آزادی مذاهب لجوجانه تر و محکمتر از پیش پایکوبی میکنند تا چشم حریفان و مخالفین شان بسوزد. البته بسا مصلحتها و عوامل اجتماعی و روانی دیگر نیز تأثیرات خود را دارند که از حوصله این مقال بیرون است.

هفتم: یکی از دلایل عمده که ما متوجه اینهمه تناقضات و زیر پا گذاشتن قوانین عقلی و منطقی خود نمیشویم و هر روز قوانین منطق را زیر پا میگذاریم اینست که اینها از بدو پیدایش ما در اثر تربیت بزرگان و اعضای بزرگتر خانواده و افراد اجتماع بتدریج در ذهن و باورهای ما داخل شده اند. افراد بزرگتر خانواده و دیگر شخصیت های تأثیرگذار جامعه مصلحت ها و تابو هارا برای ما می آموزانند و تلقین میکنند. بناً روش تدریجی باعث میشود که ما در برابر تناقض ها و باور های عجیب و غریب خود و اجتماع ماحول خود دچار حیرت زدگی نشویم و یک بیک همه را بالای خود بقبولانیم و به زیر پا گذاشتن قوانین منطقی هیچ اهمیت ندهیم و حتی عادت کنیم. در مواردی هم اگر ما از خط قرمزی که خانواده و جامعه برای ما ترسیم کرده خارج میشویم و همان قوانین ابتدایی منطق را در برابر عقاید خرافاتی بکار میبندیم، بدون وقفه با تهدیدات زیادی از طرف نهاد خانواده و اجتماع مواجه میشویم و همانند قهرمان این فلم، مردم ما را دیوانه خطاب نموده از خود میرانند و میدوانند. ولی هرگاه شخصی از یک سیاره دیگر کاملاً مجهز با همین قوانین منطقی و عقلی بیکبارگی و بدون گذشتادن دوران کودکی و سپری کردن مراحل تدریجی پذیرش باورهای خرافاتی، وارد اجتماع بشری شود، همهء رفتارها و عقاید ما برای او عجیب و ضد و نقیض خواهد بود و او تحمل نخواهد کرد.

هشتم: انسانها از ترس تکفیر بوسیله مبلغین دینی و واعظین در برابر همه سخنان پلشت و غیر عقلانی ایشان همانند برده ها مُهرسکوت را بر لب میزنند و خود را تکلیف نمیدهند تا سخنان غیر منطقی شانرا مستقیماً مورد پرسش قرار دهند. ولی قهرمان فلم که از سیاره دیگر آمده و اصولاً ازینهمه محافظه کاریها، ظاهر فریبی ها، تقیه نمودن ها، منافقت ها و تکفیر شدن ها آگاهی نداشته صرفاً همان قوانین عقلی و منطقی برایش اهمیت دارد، بمجردیکه یک جمله کوتاه برخلاف منطق را در سخنان واعظین معبدها میشوند، آنآ صدای اعتراض خود را بلند نموده استدلال منطقی میکند و میپرسد: جناب، وقتیکه خودت میگویی، خداوند شنوا و بیناست، خداوند آفریدگار ماست، او مهربانتر از والدین بر فرزندانش است، پس تو در میان فرزند و پدر چکاره استی؟ کدام پدر میخواد فرزند مصیبت زده اش که به کمک ضرورت دارد، برود به کوه های "هیمالیا" و در آنجا ریاضت و زحمت بکشد، تا خدا را راضی کند. آنهم در صورتیکه خدا در هر جا حضور دارد، پس رفتن به کوه های "هیمالیا" چی؟ و نقش تو در میان این ارتباط مستقیم که میان خالق و مخلوق و به زعم خودتان میان فرزند و پدر حکمفرما است، چیست؟

نهم: دگماتیسم و عصبیت مرضی است که چشم و گوش انسان را از دیدن و شناخت حقیقت کور و کرمیسازد. البته بسیار اهداف دیگری نیز درین فلم تیلور یافته که بنده بمنظور جلوگیری از اطالهء کلام از ذکر آن خودداری میکنم.

واکنش ها در برابر "پی کی"

فلم "پی کی" با دیوانه یگانه فلم در طول تاریخ سینمای هندوستان است که از یکطرف بزرگترین سود و عاید مالی و از طرف دیگر شدید ترین واکنشهای مخالفین را بخود دیده است. این فلم بتاریخ 12 دسامبر 2014 بگونهء مکمل ویرایش و در روزهای بعد آمادهء نمایش گردید. در اولین روز گشایش، مبلغ 4.1 میلیون دالر را بدست آورد که در روز دوم این رقم به 4.6 میلیون دالر ارتقا یافت و در روز سوم 5.8 میلیون دالر را بعنوان عاید خالص بدست آمده نصیب صاحب امتیازش ساخت. بعداً مجموع پول های بدست آمده در یک هفته به 28 میلیون دالر بالغ گردید. پس از سه هفته محاسبین عواید مالی دریافتند که طی سه هفته پی در پی، فلم متذکره 41 میلیون دالر سود خالص را کمایی کرده است.

نمایش فلم "پی کی" در کشورهای بیرونی و عواید بدست آمده:

این فلم همزمان با 22 شرکت های تجاری بین المللی بخاطر نمایش به مساهمه گذاشته شد که از رهگذر نمایش آن از تاریخ 19 الی 21 دسامبر، فقط در مدت سه روز 28.7 میلیون دالر را بدست آورد. همچنان با نمایش آن در آمریکای شمالی مبلغ 3.75 میلیون دالر به عواید خالص آن اضافه گردید. در پاکستان که بتاریخ 10 جنوری 2015 به نمایش گذاشته شد، مبلغ 1.7 میلیون دالر عاید خالص آن بدست متصدیان این فلم رسید. و بالاخره خلص کلام اینکه، بر اساس گزارش روزنامه های چاپی و تارنمایی هندوستان مجموع پولهای بدست آمده از نمایش آن در درون و بیرون هندوستان به یکصد میلیون (100) دالر آمریکایی عاید و سود خالص بالغ شده است که در درازنای تاریخ هنر سینما در هندوستان و حتی کشورهای دیگر تا ایندم کاملاً بینظیر بوده است.

و اما واکنش مخالفین:

به صدها نهادهای دینی و مذهبی هندوها که باورهای شان زیر تیغ بران پرسشهای منطقی این فلم به چالش کشیده شده است، در اعتراض به این فلم دست به مظاھر زده و خواهان تحریم و محو این فلم از دنیای سینما شدند. اکثر گروه های مظاھر کننده بر ضد ستارهء مشهور سینما "امیرخان" تجمع نموده در پس خانهء او داد و فریادهای را براه انداختند. گرداننده و داستان نویس این فلم "راج کمار حیرانی" که خود نیز یک هندوی منتقد آیین بت پرستی بشمول هندویسم و مسیحیت است، شدیداً از طرف نهادهای مذهبی بت پرستان مورد تهدید و اخطار های جدی قرار گرفته است. ولی نهاد های امنیتی دولت هندوستان قویاً حمایت شانرا بخاطر مصونیت "راج کمار حیرانی" و نیز امیرخان که یک شخص مسلمان است، اعلام نموده است. امیرخان در ارتباط دفاع ازین فلم گفته است: این فلم در اصل به ضد هیچ دینی تولید نشده. بلکه یگانه هدف اساسی را که دنبال کرده اینست: "ایمان به خدایی داشته باشید که اوشما را آفریده، نه آن خدای که شما خودتان آنرا آفریده اید". والسلام

یادداشت: بنده به تماشای فلم های هندی اصلاً عادت ندارم بجز اینکه اگر کدام اثری از ایشان در بین مردم بلوا برپا کند و خبر ساز شود که "پی کی" یکی از همینگونه آثار بکر و خبر ساز هنری بوده که در سطح سینمای جهان شناخته شد.

منابع:

www.goftaman.com

<http://www.bbc.com/news/world-asia-india-30602809>

[http://en.wikipedia.org/wiki/PK_\(film\)](http://en.wikipedia.org/wiki/PK_(film))

<http://indiatoday.intoday.in/story/5-reasons-why-aamir-khan-pk-must-be-banned/1/410550.html>